

خودنمایی ضعف آموزش با نتایج امتحان نهایی!

بررسی دلایل افت نمرات نهایی دوازدهمی‌ها در گفت‌وگوی «جوان» با کارشناسان آموزش

آموزش در مدارس عمدتاً به صورت سطحی و با کیفیت پایین ارائه می‌شود و به دنبال آن دانش‌آموزان را درگیر حفظیات می‌کنند، اما در پایان سال تحصیلی از آنها امتحان مفهومی می‌گیرند! که در نتیجه آن، افت محسوس نمرات پایه دوازدهمی‌ها اتفاق افتاده است. آنطور که گفته شده، فقط یک نفر از دانش‌آموزان توانسته در امتحانات نهایی امسال، معدل ۲۰ کسب کند؛ هر چند این خبر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود،

اما محمد مهدی کاظمی، معاون وزیر آموزش و پرورش در واکنش به آن گفته است: «نتایج امتحانات «تقریباً» گواه همین امر است.» به این ترتیب، نتایج امتحانات نهایی امسال برای بار دیگر ضعف آموزش در مدارس را نمایان کرده است. مهسا گربندیمسئولان آموزش و پرورش به طور مداوم اعلام می‌کردند که سؤالات امتحان نهایی خردادماه پایه دوازدهم در سطح کتب طراحی شده است، اما افت نمرات دانش‌آموزان پایه دوازدهمی، سختی سؤالات طرح‌شده را اثبات کرد. حتی برخی از دانش‌آموزانی که در مدارس خاص تهران درس می‌خواندند هم با افت نمره مواجه شدند. این در حالی

است که محسن زارعی، رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش، موضوع سخت‌بودن سؤالات امتحانات نهایی را رد کرده و گفته بود: «مبنای طراحی سؤالات ما فقط کتاب درسی بوده است. هیچ سؤالی خارج کتاب طرح نشده است و این قاعده را رعایت کردیم. بخش محدودی از سؤالات سطوح بالای شناختی را مورد ارزیابی قرار می‌داد. نمره ۲۰ که دانش‌آموزان از دروس مختلف و در سطح توزیع کشوری کسب کرده‌اند، نشان می‌دهد سؤالات به گونه‌ای بوده است که دانش‌آموزان از عهده آن بر می‌آمدند. می‌گویند برخی سؤالات به گونه‌ای بود که حتی معلم از

پاسخ به آن عاجز بود، اما اینگونه نیست.» این اظهارات در حالی مطرح شده که فقط یک نفر در امتحانات نهایی امسال در بین سه رشته ریاضی، تجربی و انسانی معدل ۲۰ کسب کرده است؛ موضوعی که محمد مهدی کاظمی، معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش آن را تأیید کرده و در واکنش به آن گفته است: «تقریباً همین است.» او در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه گفته میشود سطح سؤالات امتحان به ویژه در دروس عمومی خیلی بالا و در حد کنکور بود، این را تأیید می‌کنید؟ به ایسنا توضیح داده است: «خیر، بحث کنکور نبود، بلکه سؤالات آزمون،

مفهومی بود. با این حال در این خصوص اطلاع‌رسانی شده بود. شاید خیلی از بچه‌ها تمرکز در حوزه امتحان نهایی نداشتند و از طرفی شرایط کرونا و آموزش دو ساله مجازی هم بی‌تأثیر نبود که آزمون امسال کمی متفاوت‌تر برگزار شده بود. طبیعتاً در سال‌های اول پس از کرونا دانش‌آموزان به همان سبک و سیاق درس خواندند و مطالعه کردند و ممکن است این اتفاق بیفتد، بنابراین به نظر من بخشی از این امر طبیعی بوده است.»

کتب درسی و شیوه‌های آموزشی هیچ جذابیتی ندارند

برخی از دانش‌آموزان می‌گویند که آموزش‌هایی که به آن‌ها داده شده از کیفیت خوبی برخوردار نبوده و آن‌ها نتوانسته‌اند از عهده پاسخگویی به سؤالات برآیند. در این رابطه محمد داوری، کارشناس آموزش به «جوان» می‌گوید: «افت نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی نشان داد که کیفیت آموزشی در مدارس به شدت پایین است. دلایل پایین بودن کیفیت آموزش هم متعدد است که مهم‌ترین آن، پایین بودن انگیزه معلمان و مشکلات معیشتی آنهاست و بعد از آن هم نبود تجهیزات، امکانات و فضاهای آموزشی و مسئله محتوای کتاب درسی در افت کیفیت

آموزشی اثرگذار است.» او ادامه می‌دهد: «امتحانات نهایی یک ارزیابی دقیق است، اما این امتحان دقیق در مقابل آموزش ضعیف، آسیب‌هایی را متوجه دانش‌آموزان کرده‌است، بنابراین دو موضوع باید مورد توجه قرار بگیرد؛ اول، بحث محتوای کتب دوم، شیوه‌های آموزشی و سوم هم شیوه‌های ارزشیابی یا همان نوع امتحانات است که این‌ها باید مکمل یکدیگر باشند و در یک مسیر حرکت کنند.» داوری تصریح می‌کند: «محتوای آموزشی یعنی همان کتب درسی که در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، اصلاً جذابیت ندارد و آن‌ها برای اینکه کتاب‌هایشان را با علاقه و جدیت بخوانند و یاد بگیرند، انگیزه کافی ندارند. همچنین روش‌های تدریس و نحوه آموزش اغلب سنتی و خسته‌کننده است و از تکنولوژی‌ها و فناوری‌های جدید بهره گرفته نمی‌شود. طوری که به ندرت خلاقیت‌های روش تدریس دیده می‌شود. در نهایت وقتی امتحانات نهایی برگزار می‌شود، دانش‌آموزان از عهده پاسخگویی به تمام سؤالات برنمی‌آیند و نمراتشان افت می‌کند.» این کارشناس آموزشی می‌گوید: «وقتی که گفته می‌شود مدارس دولتی سهم زیادی از رتبه‌های برتر کنکور ندارند یا نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی افت کرده‌است؛ این‌ها سنسورهای هستند که به ما نشان می‌دهد اوضاع آموزش در مدارس بحرانی است و نظام آموزشی کشور در ابعاد مختلف، مشکل دارد.» او با بیان اینکه دانش‌آموزان، قربانیان اصلی نظام ناکارآمدی آموزش هستند، می‌گوید: «متأسفانه صدای دانش‌آموزان در هیچ کجا شنیده نمی‌شود، در صورتی که ما باید واقعیت‌های مسائل آموزشی را از زبان آن‌ها و والدینشان بشنویم. بی‌تردید اگر نظر دانش‌آموزان را درباره آموزش در مدارس بپرسید، می‌گویند کتب درسی و شیوه‌های آموزشی برایشان هیچ جذابیتی ندارد و بدتر اینکه آن‌ها در این فرآیند موجود، آینده شغلی روشنی برای خود نمی‌بینند. بنابراین نیاز است تحولاتی در این زمینه انجام شود و به مطالبات و نیازهای دانش‌آموزان، پاسخ داده شود.»

رہایی دانش‌آموزان از حفظیات با مفہومی‌شدن سؤالات

کارشناسان آموزش معتقدند که دانش‌آموزان در مدارس درگیر حفظیات شده‌اند، به همین دلیل فرصت یادگیری دقیق ندارند؛ موضوعی که امیرحسین سلطانی‌فلاح، قائم‌مقام جمعیت فرهنگیان جوان نیز به آن اشاره می‌کند و به «جوان» می‌گوید: «سؤالات در امتحانات نهایی از سؤالات حافظه‌محور به سؤالات مفہومی تغییر کرده‌است. به نظر من این الگوی مطلوبی است که از حفظیات فاصله گرفته شود و ملاک سنجش دانش‌آموز، میزان درک و بینشی باشد که او نسبت به محتوا پیدا

کرده است. منتها به تبع آن، باید تصمیماتی در حوزه محتوا و آموزش نیز گرفته شود که همسو با یکدیگر شوند. باید این موضوع بررسی شود که محتوای درسی اساساً تا چه میزانی توانسته این فرآیند را دنبال کند و اینکه آیا رویکرد آموزش، مسئله مفهومی بودن را در پیش گرفته است یا نه؟» او ادامه می‌دهد: «تغییر رویکرد سنجش در برگزاری امتحانات نهایی در سال اول را نمیتوان به اندازه یک پدیده‌ای که دو دهه قدمت داشته است، تحلیل کرد. حقیقت مسئله این است که کنکور به عنوان سنجش بزرگ مقیاس در نظام آموزشی کشور و همچنین دروازه ورود به آموزش عالی بوده است که خواسته یا ناخواسته به نظام آموزشی جهت می‌داده است. هر چند که تلاش می‌شد بچه‌ها از دوره اول ابتدایی با آموزشهای مهارتی پیش بروند و به سمت آموزشهای مفهومی حرکت شود، اما این بچه‌ها هر چه به مقاطع تحصیلی بالاتر می‌روند و به کنکور نزدیک‌تر میشوند، مسئله کنکور روی برنامه درسی‌شان تأثیر سوء می‌گذارد تا جایی که در دوره دبیرستان، دروس فارسی و دین و زندگی، هویت فرهنگی خودشان را از دست می‌دهد و تنها در حد یک ابزار سنجشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.» سلطانی‌فلاح اظهار می‌دارد: «تصمیم تأثیر امتحانات نهایی در ورود دانش‌آموزان به دانشگاه از این جهت خوب بوده که لرزه‌هایی را به پایه‌های کنکور انداخته است. البته باید در ادامه مسیر، کار کارشناسی انجام شود و چالشها و مشکلاتی که در این رابطه برای دانش‌آموزان ایجاد شده است نیز بررسی و برطرف شود.»

نباید آموزش و پرورش از مأموریت و رسالت اصلی خود دور شود

«مفهومی بودن سؤالات امتحانات نهایی قابل دفاع است، چراکه به دلیل تأثیر نتایج این امتحانات در کنکور باید دانش‌آموزان با سطوح مختلف یادگیری تشخیص داده شوند.» این را حمید رفیعی، پژوهشگر آموزش و پرورش به «جوان» می‌گوید، اما معتقد است نباید در این مسیر آموزش و پرورش از مأموریت و رسالت اصلی خود که تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است، دور شود. او در این رابطه توضیح می‌دهد: «اگر پیش‌تر در امتحانات نهایی فقط و فقط به احراز سطح دانش و سواد داوطلبان پرداخته می‌شد و هدف از امتحانات نهایی این بود که مثلاً دانش‌آموز درس را چقدر یاد گرفته است، الان در آزمونهای نهایی اخیر باید به این مسئله پرداخته شود که چه کسی بیشتر توانسته سطوح بالاتری از دانش را کسب کند، از این رو شاهد سؤالات سخت‌تری بودیم که باید این سطوح مختلف مشخص شود. علاوه بر آن با توجه به افزایش امنیت امتحانات در سال جاری تعداد افرادی که کل نمره

امتحانات نهایی را کسب کردند، کاهش پیدا کرد. البته قابل ذکر است سال‌های قبل هم تعداد افرادی که معدل کامل را می‌آوردند، حدود ۲۰ نفر بوده‌اند.» پژوهشگر آموزش و پرورش تصریح می‌کند: «نباید آموزش و پرورش از مأموریت و رسالت اصلی خود دور شود. فرض کنید آموزش و پرورش فقط برای پایه دوازدهم حدوداً ۱۰ امتحان، در سه ماه شهریور، دی و خرداد برگزار کرده‌باشد که جمعاً ۳۰ آزمون می‌شود و اگر این آزمون‌ها در سه رشته برگزار شود، یعنی حدود ۹۰ آزمون بوده است. برگزاری این تعداد آزمون با وجود چندین میلیون داوطلب، کار بسیار دشواری است که آموزش و پرورش را درگیر خود کرده‌است. حالا تصور کنید از سال آینده طبق قانون، امتحانات مقاطع تحصیلی اول و دوم متوسطه هم به صورت نهایی برگزار شود. در این صورت به نظر می‌رسد آموزش و پرورش از مأموریت اساسی خودش که تربیت و تحقق اهداف تربیتی در داوطلبان آموزش عمومی است، باز خواهد ماند و به یک جریانی برای آماده‌شدن افراد برای ورود به دانشگاه و سنجش آن‌ها وارد شده‌است.» رفیعی اظهار می‌دارد: «امتحان در سال‌های گذشته یک محلی بود که در آن مشخص می‌شد دانش‌آموز چقدر مطلب را آموخته است تا اگر ضعفی وجود داشت برای پوشش آن فکری شود؛ یعنی جنبه تربیتی آزمون، موضوعیت داشت، اما وقتی این آزمون به سمتی می‌رود که به عمل «انتخاب‌گری» دانش‌آموز در دانشگاه تبدیل می‌شود، آسیب‌های بسیار زیادی را به دنبال دارد.» او به ضرورت استعدادیابی دانش‌آموزان اشاره می‌کند و می‌گوید: «اساساً جریان کنکور سراسری و جریانی که ما ناظر به سپردن وضعیت داوطلبان به یک یا چندین آزمون داریم، آن را پیوند می‌زنیم به نظر می‌رسد که با جریان ارزیابی تمام ساحتی و استعدادسنجی دانش‌آموزان در تضاد قرار گرفته‌باشد. در صورتی که اگر به این سمت برویم که استعداد افراد را بسنجیم و آن‌ها را بشناسیم، آن وقت می‌توانیم آن‌ها را در حوزه استعدادی که دارند، ارتقا بدهیم و به مرور جریان عدالت اجتماعی را نیز رقم بزنیم.» رفیعی اظهار می‌دارد: «تا زمانی که آموزش و پرورش را به این سمت گره بزنیم که برگزارکننده امتحانات نهایی و پلی برای رسیدن دانشگاه باشد، نمی‌توانیم انتظار داشته‌باشیم که مهارت‌های اجتماعی، زندگی و کارهای جمعی، تأمین معاش را به افراد آموزش بدهد و نقش اصلی خودش را ایفا کند.» او تأکید می‌کند: «معتقدم که تغییر روند آزمون و برگزاری چندین بار امتحانات نهایی، بدون تغییر پیش‌نیازهای آن، نه‌تنها به حذف کنکور و برقراری عدالت کمکی نمی‌کند، بلکه چالشی را که پیش از آن وجود داشت نیز توزیع خواهد کرد. مثلاً استرس، دشواری کار و هزینه‌ها چندین برابر می‌شود. در صورتی که اگر بتوانیم با تغییر نگاه خودمان و نقطه‌نظراتی که در این حوزه وجود دارد به

سمتی حرکت کنیم که اساساً جریان مهارت‌آموزی دارای ارزش شود، هم نظام درآمد عادلانه خواهد شد و هم اینکه افراد جریان ادامه زندگی خودشان را محصور در دانشگاه و کسب عنوان‌های خاصی مثل پزشکی، قضاوت و امثال آن نمی‌بینند.»

منبع: روزنامه جوان 4 مرداد 1402 خورشیدی